

[خلاصه مختار استاد در وضع در حروف 1](#_Toc508180055)

[بحث هیئات 2](#_Toc508180056)

[مدالیل هیئات 2](#_Toc508180057)

[مرحله اول: هیئات جمله های خبریه 2](#_Toc508180058)

[1-اتحاد معنای هیئت جمله خبریه و انشائیه و اختلاف در داعی 2](#_Toc508180059)

[اشکال مرحوم خویی به مرحوم اخوند 3](#_Toc508180060)

[جواب نقضی از اشکال مرحوم خویی 3](#_Toc508180061)

[جوال حلی از اشکال مرحوم خویی 4](#_Toc508180062)

[بیان اول مرحوم آغا ضیاء در رد مرحوم اخوند 4](#_Toc508180063)

[جواب از مرحوم اغا ضیا 4](#_Toc508180064)

**موضوع**: وضع هیئات /بحث وضع /مقدمات علم اصول

**خلاصه مباحث گذشته:**

خلاصه بحث در جلسه گذشته این شد که استاد فرمود معانی حرفیه اولا غیر مستقل است و ثانیا اخطاری است و ثالثا ان معانی که در علم ادبیات برای حروف گفته میشود از باب اشتباه مصادیق به مفهوم است. نکته بعدی این بود که موضوع له حروف عام است و حق با مرحوم اخوند است به خاطر تبادر

# خلاصه مختار استاد در وضع در حروف

بحث در معنی حرفی تمام شد و همچنین بحث در عموم و خصوص موضوع له حروف نیز به اتمام رسید و حاصل ان این شده که امکان خاص بودن موضوع له در حروف وجود دارد و اشکال مرحوم اخوند جای ندارد و نیز امکان دارد که موضوع له در حروف عام باشد و اشکال مرحوم اصفهانی وارد نیست ولی متبادر از حروف معنای عامی است همان طور که در اصل معنا حروف با اسماء فرقی ندارند و هر دو اخطاری هستند و حروف معنای خودشان را به ذهن منتقل میکنند در ناحیه موضوع له نیز حروف مثل اسامی غیر اعلام، عام است و تنها فارق انها در استقلالیت و الیت است.

# بحث هیئات

هیئیات محل استنباط مجتهد است و باید معنای انها منقح بشود که به دو قسم تقسیم میشود:

1. هیئات تام و یصح و السکوت بر انها مانند جمله های خبریه
2. هیئاتی که معنای ناقصی دارند مانند هیئت مضاف و مضاف الیه و صفت و موصوف و مشتق و غیره

## مدالیل هیئات

### مرحله اول: هیئات جمله های خبریه

مدلول هیئت های جمله های خبریه چیست؟ در مجموع سه نظریه وجود دارد

1. اتحاد معنای خبریه و انشائیه
2. اختلاف انها
3. تفصیل

#### 1-اتحاد معنای هیئت جمله خبریه و انشائیه و اختلاف در داعی

مرحوم اخوند میفرماید[[1]](#footnote-1) بین اخبار و انشاء در مدلول فرقی نیست بلکه در داعی متفاوت هستند که از کیفیات استعمال هستند و جمله ای که به داعی اخبار تکلم شود خبریه است و جمله ای که به داعی انشاء تکلم شود جمله انشائیه است و این کیفیت نیز از دایره وضع خارج است. مثلا بعت یک معنا دارد چه در مقابل مشتری و چه در مقابل غیر مشتری گفته شود ولی اولی انشاء است و در دومی اخباراست دیگر بیان نکرده است که معنای انها چیست.

این بیان مرحوم اخوند چه مطلبی رامیخواهد بگوید؟ ایا منظورش جمله های مشترک است و یا منظورش عام است و جمله های مختصه را نیز شامل میشود مثلا اضرب با اطلب منک الضرب نیز همین ادعا در ان جاری است ادعای ما این است که مرحوم اخوند به عام نظر دارد ولی بعضی کلام مرحوم اخوند را حمل بر جمله های مشترک حمل کرده است و مرحوم اغا ضیاء[[2]](#footnote-2) میخواهد کلام مرحوم اخوند را بر جمله های مشترکه حمل کند. البته مهم نیست ما به نحو عموم بحث میکنیم.

##### اشکال مرحوم خویی به مرحوم اخوند

مرحوم خویی میفرماید:[[3]](#footnote-3)وحدت جمله خبریه و انشائیه غلط است زیرا اگر وحدت وجود داشته باشد باید استعمال هر کدام از جمله ها به جای دیگری به همان داعی استعمال شود در حالی که درست نیست مثلا میتوانیم در بعضی موارد امر کنیم ولی به جای ان جمله خبریه اورده شود و مراد از انها همان امر باشد و به جای اینکه به زید بگویم «قم » «بگویم زید قائم» در حالی که این استعمال غلط است. و استعمال جمله اسمیه به جای جمله انشائیه درست نیست بلکه استعمال جمله فعلیه به جای جمله انشائیه درست نیست و از این که صحت استعمال ندارد کشف میشود که اختلاف معنا دارند.

ان قلت: استعمال جمله اسمیه به جای جمله انشائیه داریم مانند اینکه به داعی انشاء گفته شود انت طالق و از طالق اراده انشاء طلاق کرده باشیم درست است. و انشاء محقق میشود

قلت: این جملات ولو اینکه این استعمالات درست است ولی چون خود محمول انشائی است و وقوع انشاء به خاطر هیئت نیست بلکه به خاطر خود محمول است و الا اگر گفته شود «انت قائم» به جای «قم» درست نیست چون محمول ان انشائیه نیست.

###### جواب نقضی از اشکال مرحوم خویی

عرض ما نسبت به ادعای مرحوم خویی این است که این ادعا درست نیست زیرا ما مواردی داریم که جملیه خبریه و اسمیه در مقام انشاء استعمال شده است و محمول ان نیز از انشائیات نیست مانند المومنون عند شروطهم که جمله اسمیه است و محمول ان نیز انشائی نیست. پس استعمال جملیه اسمیه در مقام انشاء غلط نیست.

اگر کسی شبهه وارد کند و بگوید که این مثال میخواهد بگوید که محمول دراینجا انشائی است ما مثال دیگری طرح میکنیم وقتی گفته میشود المسلمون ید واحده منظور ای است که مسلمانان باید ید واحدی باشند و احساس غلط بودن نیز نمیکنیم.

بله هر جمله اسمیه را نمیتوان به جای استعمال انشائی استعمال کرد اما اینکه در هیچ موردی جمله اسمی نداشته باشیم که به جای انشائیه استعمال شده باشد درست نیست.

###### جوال حلی از اشکال مرحوم خویی

و اما اینکه ایشان در مثال انت طالق جواب دارد و گفت استعمال انشائی ان به خاطر محمول است خلاف ارتکاز است زیرا ارتکاز این است که ما با این جمله انشاء را محقق میکنیم نه با مجرد محمول. و با نسبت دادن طالق با انت، انشاء محقق میشود. و با هیئت انشاء محقق شده است.

### بیان اول مرحوم آغا ضیاء در رد مرحوم اخوند

مرحوم اغا ضیا میفرماید:[[4]](#footnote-4)این ادعای مرحوم اخوند درست نیست زیرا لازمه ی این ادعا این است که جمله ای که خالی از این دو داعی باشد نباید هیچ کدام از جملات خبریه و انشائیه باشد مانند جملاتی که به صورت شوخی گفته میشود مثلا من ملکیت اسمان را به ملک شما در اوردم که اخبار نیست چون شوخی است و انشاء نیز نیست چون قصد انشاء نیست. پس نباید معنای انها یکی باشد و اختلاف در داعی داشته باشند.

#### جواب از مرحوم اغا ضیا

این اشکال وارد نیست چون ادعای مرحوم اخوند این است که ملاک در لفظ مستعمل است اگر داعی او ایجاد بود انشائیه است و اگر خبر بود اخباری است و قوام انشاء به قصد مستعمل است و در این مثال نقضی قصد مستعمل ایجاد است و لو اینکه در خارج محقق نشده است و عقلا ان را قبول ندارد مثل صبی ممیز که قصد انشاء از انها متمشی میشود که معنا را ایجاد میکنند ولی عقلا به ان اعتنا نمیکنند فلذا در ما نحن فیه شخصی که شوخی میکند قصد ایجاد را دارد ولی قصد جد ندارد. پس قطعا این مثال نقضی انشاء است و قصد نیز فراهم است منتها جدیت در کارد نیست.

1. [کفایه الاصول، آخوند خراسانی، ج، ص12.](http://lib.eshia.ir/27004//12/خبریه) [↑](#footnote-ref-1)
2. [نهایة الافکار، آقا ضیاء الدین العراقی، ج1، ص55.](http://lib.eshia.ir/13053/1/55/) [↑](#footnote-ref-2)
3. [مصباح الاصول، السید أبوالقاسم الخوئی، ج1، ص83.](http://lib.eshia.ir/13046/1/83/انشاء) [↑](#footnote-ref-3)
4. [نهایة الافکار، آقا ضیاء الدین العراقی، ج1، ص57.](http://lib.eshia.ir/13053/1/57/خبریه) [↑](#footnote-ref-4)